

# ابزارهای نوین در تأمین مالی پروژه‌های صنعت نفت



متخصصان اقتصادی، فنی، حقوقی و فقهی سیاستگذاری‌های لازم بر گسترش و استفاده هر چه بیشتر از این ابزار به عمل آید.

## انتشار اوراق مالی اسلامی (صکوک)

این ابزار، ضمن سازگاری با اصول فقهی و رفع شبهات ربوی بودن که در مورد فاینانس مطرح می‌شود، به عنوان روشی کارا در تأمین مالی پروژه‌ها مطرح شده است. البته لازم به ذکر است که شرکت ملی نفت ایران در سال‌های اخیر تجارب موفق‌تری در خصوص به کارگیری این روش رویداد، نظیر انتشار اوراق مشارکت، منفعت و سلف جهت تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های خود داشته است. مهمترین چالشی که در به کارگیری این ابزار می‌توان مطرح کرد، عدم تناسب ابزار مورد استفاده با نیاز و خواسته بانکی است. به عبارت دیگر، استفاده از این اوراق الزامات و محدودیت‌هایی از جمله تعیین و تأیید سود یا زیان واقعی طرح، توسط شرکت واسط و ارتباط تنگاتنگ فرایند اجرا با تأمین مالی در جهت حفظ حقوق تأمین مالی کنندگان را در پی دارد. در حالی که به دلیل محیط متغیر اجرا، تنظیم نقشه راه ثابت اولیه امکان‌پذیر نبوده و تغییرات بعدی باید به تأیید امین برسد. علاوه بر این نظام تصمیم‌گیری در این صنعت، به اندازه کافی نیست و لذا انتشار اوراق می‌تواند فرایندی زمان‌بر تلقی شود. امید است با اتخاذ رویکرد مناسب و به کارگیری ابزار نوین در تأمین مالی پروژه‌های شرکت ملی نفت ایران موجبات رونق اقتصادی این صنعت و به طبع آن کشور بیش از پیش فراهم شده و در این راستا تمهیدات لازم جهت رفع چالش‌ها و موانع موجود صورت پذیرد.

به تجزیه و تحلیل برخی از این ابزارها متناسب با رویکرد تأمین مالی پروژه‌های صنعت نفت از طریق بازار سرمایه پرداخته خواهد شد.

## تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری پروژه

یکی از روش‌های نوین تأمین مالی پروژه‌ها که می‌تواند منجر به اشتراک‌گذاری ریسک نیز شود، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری پروژه از طریق بازار سرمایه است. در این روش سرمایه‌گذاران مالک نهایی پروژه احداث شده بوده و لذا در سود اقتصادی طرح شریک می‌شوند. با توجه به سرمایه‌بر بودن پروژه‌های بخش بالادستی نفت و گاز، در تأمین مالی با این روش در بازار سرمایه، سرمایه‌های خرد جامعه نیز در پروژه به کار گرفته می‌شود و لذا از دیدگاه کلان، تلاطم‌های اقتصادی نقدینگی کنترل می‌شود. مزایای صندوق مزبور از دیدگاه کلان اقتصادی کنترل، هدایت نقدینگی‌های خرد به سمت تولید و از دید شرکت ناشر، صرفه‌جویی مالیاتی و مدیریت نقدینگی است. البته بهره‌مندی از این ابزار در صنعت نفت با چالش‌هایی مواجه است. چالش اصلی در صنعت نفت و گاز مالکیت تأسیسات و تجهیزات احداث شده نفتی است که طبق قانون جزو انفال بوده و در اختیار حاکم اسلامی قرار دارد. لذا بایستی مالکیت مزبور به دولت انتقال یابد و ارزش تجهیزات از محل سودآوری پروژه به سرمایه‌گذاران منتقل شود. از طرفی با توجه به منافع صندوق پروژه از جمله کنترل نقدینگی خرد جامعه و استفاده از آن در بخش واقعی اقتصاد و مدیریت نقدینگی و شفافیت پروژه لازم است با تشکیل کارگروهی علمی از

## فریدون کرد زنگنه

مدیر سرمایه‌گذاری و کسب و کار شرکت ملی نفت ایران

موضوع تأمین مالی همواره به عنوان یکی از کلواکه‌های مهم فعالیت‌های تولیدی مطرح بوده و در خصوص پروژه‌های کلان اعم از پروژه‌های نفت و گاز یا حتی پروژه‌های عمرانی، به واسطه نیاز بیشتر به سرمایه‌گذاری، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. با توجه به سرمایه‌بر بودن پروژه‌های شرکت ملی نفت ایران و نیز شرایط تحریمی کنونی، اتخاذ رویکرد نوین در تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های این شرکت می‌تواند نویدبخش رونق بیشتر به این صنعت و در حالت کلی به وضعیت اقتصادی کشور باشد. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این خصوص تأمین مالی پروژه‌های بالادستی شرکت ملی نفت ایران از طریق بازار سرمایه است. استفاده از بازار سرمایه برای تأمین مالی پروژه‌ها به شرکت ملی نفت ایران امکان دسترسی به منابع مالی بیشتری را داده و این شرکت از تنوع روش‌های کسب منابع مالی برخوردار می‌شود.

با این رویکرد، شرکت ملی نفت ایران می‌تواند از توانایی و اعتبار خود به عنوان یکی از بزرگترین شرکت‌های نفتی جهان برای جذب سرمایه نیز بهره‌برد. لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر و با تشدید تحریم‌ها این رویکرد تا حدودی مورد توجه سیاستگذاران شرکت ملی نفت قرار گرفته که البته با عنایت به مزایای عدیده که در ذیل به آن اشاره می‌گردد صنعت نفت ایران نیازمند اقبال بیشتر از این بازار در سال‌های آتی جهت تأمین مالی پروژه‌های خود خواهد بود. براساس گزارش بانک تسویه بین‌المللی (bis) رابطه مثبتی میان رشد اقتصادی کشورهای نوظهور و توسعه بازار سرمایه این کشورها وجود دارد. به عبارت دیگر بخش‌های عمومی و خصوصی در این کشورها همزمان با افزایش تولید خود تمایل بیشتری به فعالیت در بازار سرمایه به عنوان محلی برای تأمین مالی مورد نیاز خود پیدا می‌کنند.

از سوی دیگر یک بازار سرمایه توسعه یافته ضمن افزایش کارایی اقتصادی، آسیب‌پذیری کشورها به بحران‌های مالی را کاهش داده یا موجب تخفیف در اثرات این بحران‌ها می‌شود، چرا که این بازارها هنگام کمبود منابع بانکی یا سایر بحران‌های مالی در واقع یک بازار جایگزین برای تأمین مالی شرکت‌ها محسوب می‌شوند.

با توجه به شرایط ایران که نیاز به توجه کافی به بدهی‌های دولت از یک سو و حمایت از شریان درآمدزایی کشور (فروش انرژی) از سوی دیگر را دارد، هدایت منابع مالی به سمت پروژه‌های صنعت نفت کانون توجه قرار می‌گیرد تا بتوان با توسعه این‌گونه منابع، توان تولیدی و ثروت‌افزایی کشور را تقویت کرد. در ادامه



در روش صندوق سرمایه‌گذاری پروژه از طریق بازار، سرمایه‌گذاران مالک نهایی پروژه احداث شده بوده و لذا در سود اقتصادی طرح شریک می‌شوند. با توجه به سرمایه‌بر بودن پروژه‌های بخش بالادستی نفت و گاز، در تأمین مالی با این روش در بازار سرمایه، نیز در پروژه به کار گرفته می‌شود

نقشه دولت

ویژه‌نامه وزارت نفت

ایران

شهریور ۱۴۰۲